

The Role of Creative Play in Identifying and Nurturing Superior Intelligence in Children; Based on Howard Gardner's Theory of Multiple Intelligences

Parisa Babaie¹, Bahram Jalalipour²

Receive Date: 21 November 2024, Accept Date: 17 March 2025

Doi: 10.22034/RPA.2025.2046398.1113

Abstract

Probably, identifying and developing children's talent can show brighter futures. According to Howard Gardner's theory, one of the eight intelligences is usually dominant in each person, which is considered his talent. Children who have enough knowledge of their natural talents and abilities can be on a better path in life. Therefore, recognizing talents is considered an important step in educating the next generation. However, due to social issues affecting children, such as fear, shyness, lack of self-confidence, etc., some children are unwilling to take talent assessment tests, which can lead to inaccurate results in talent identification. Creative play can be used as a safe platform and tool for identifying superior intelligence in children. To explore this topic and with the aim of finding methods for identifying and nurturing superior intelligence, a number of children aged 4 to 7 participated in creative drama classes and responded to talent assessment tests in the form of performance sketches. As a result, it was found that children respond to talent tests without fear and anxiety when they engage in role-playing in a dramatic game. This article seeks to explore a play-based approach beyond the sometimes non-specialized methods used for talent assessment. Thus, this research serves as an introduction for future studies, broader experiments, or the exploration of other methods. Based on the findings of the current study, after the completion of ten training sessions, the eight intelligences of the participating children in the creative drama class had developed compared to the beginning of the course, and the participants showed better reactions to auditory, movement, visual, logical, and other exercises.

Keywords: Talent, Intelligence, Eight intelligences, Howard Gardner, Creative acting, Talent screen

1. MA in Dramatic Literature, Department of Theater, Faculty of Civil Engineering Architecture and Art, Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author).
Email: babaie.prs@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Theater, Faculty of Cinema and Theater, Iran University of Art, Tehran, Iran (Corresponding Author).
Email: b.jalalipour@art.ac.ir

نقش نمایش خلاق در شناسایی و پرورش هوش برتر در کودکان با تکیه بر نظریه هوش های چندگانه هوارد گاردنر^۱

پریسا بابائی^۲، بهرام جلالی پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

Doi: 10.22034/RPA.2025.2046398.1113

چکیده

احتمالاً شناسایی و پرورش استعداد کودکان می تواند آینده ای روشن تر را پیش روی آنها ترسیم کند. طبق نظریه گاردنر، از میان هوش های هشت گانه معمولاً در هر فرد یکی از هوش ها غالب است که استعداد وی محسوب می شود. کودکانی که از استعدادهای توانایی های ذاتی خود شناخت کافی داشته باشند می توانند در زندگی در مسیری بهتر قرار بگیرند. لذا شناختن استعدادهای گامی مهم در آموزش و پرورش نسل آینده به شمار می رود. به دلیل آسیب های اجتماعی وارد بر کودکان، مثل ترس، خجالت، عدم اعتماد به نفس و...، برخی از کودکان حاضر نیستند آزمون های استعدادیابی را انجام دهند و نتیجه استعدادیابی را دچار خطا می کنند. از نمایش خلاق می توان به عنوان بستر و ابزاری امن جهت شناسایی هوش برتر در کودکان استفاده کرد. برای بررسی این موضوع و با هدف دستیابی به روش هایی برای شناسایی و پرورش هوش برتر، تعدادی از کودکان گروه سنی ۴ تا ۷ سال، ضمن شرکت در کلاس نمایش خلاق، در قالب اتوذهای نمایشی به آزمون های استعدادیابی پاسخ دادند. در نتیجه، مشخص شد کودکان با ایفای نقش در یک بازی نمایشی، آزمون های استعدادیابی را به دور از ترس و اضطراب پاسخ می دهند. این مقاله می کوشد و راه روش هایی که گاه غیر تخصصی برای استعدادیابی انجام می شود، رویکردی بازی محور را بیازماید. به این ترتیب، این پژوهش مقدمه ای است برای مطالعات بعدی، آزمایش های گسترده تر یا جست و جوی روش های دیگر. بر مبنای یافته های پژوهش حاضر، بعد از پایان ده جلسه تمرین، هوش های هشت گانه کودکان شرکت کننده در کلاس نمایش خلاق نسبت به ابتدای دوره پرورش یافته بود، و شرکت کنندگان در مقابل اتوذهای بازی های شنیداری، حرکتی، تجسمی، منطقی و... عکس العمل های بهتری داشتند.

واژگان کلیدی: استعداد، هوش، هوش های هشت گانه، هوارد گاردنر، نمایش خلاق، استعدادیابی

۱. این مقاله برگرفته از پروژه پایان نامه کارشناسی ارشد خانم پریسا بابائی، با عنوان «نقش نمایش خلاق در شناسایی و پرورش هوش برتر در کودکان با تکیه بر هوش های چندگانه هوارد گاردنر» در رشته ادبیات نمایشی است که در دانشکده عمران، معماری و هنر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات با راهنمایی دکتر بهرام جلالی پور در تاریخ ۲۸ شهریور سال ۱۴۰۳ دفاع شده است.

۲. کارشناس ارشد ادبیات نمایشی، گروه هنر، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
Email: babaie.prs@gmail.com

۳. دانشیار گروه تئاتر، دانشکده سینما - تئاتر، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: b.jalalipour@art.ac.ir

مقدمه

شناسایی توانایی‌ها و استعدادهای وجودی کودکان، از دغدغه‌های مهم والدین و متولیان آموزش و پرورش کودکان است. چنانچه افلاطون در کتاب جمهور بیان می‌کند: «در هر جامعه علمی و کارآمد، تفاوت‌های فردی در هوش، باید تعیین‌کننده اصلی جایگاه سیاسی و اجتماعی افراد باشد.» (رابینسون، ۱۳۷۹: ۱۴) با شناسایی استعداد کودکان می‌توان آنها را در مسیری درست‌تر و متناسب با علائق و توانایی‌هایشان هدایت کرد. به این دلیل، شاهد رشد قارچ‌گونه طیفی وسیع از مؤسسات آموزشی هستیم که به صورت غیراصولی و اغلب با اهداف سودجویانه، دست به استعدادیابی می‌زنند. به‌عنوان مثال، کسانی بدون شناختن موسیقی، تحت عنوان تسهیل‌گر، به صرف مشاهده کودکی که با علاقه روی سازها ضربه می‌زند، مدعی می‌شوند که او استعداد موسیقایی دارد. اما، صرف نظر از رویکردهای غیرکارشناسانه، در مسیر استعدادیابی مانع دیگری نیز وجود دارد. بسیاری از کودکان، به دلیل مشکلاتی فردی همچون عدم اعتمادبه‌نفس، کم‌رویی، خشم و... نمی‌توانند اتودهای استعدادیابی را انجام دهند. گاردنر به دنبال روش‌ها و ملاک‌هایی برای تعیین این استعدادها بود. و در سال ۱۹۸۳ در کتاب چارچوب‌های ذهن، تعریفی جدید ارائه داد. او بارها به استفاده از رویکرد شناختی در تبیین نظریه هوش‌های چندگانه تأکید کرده است و بیان می‌کند هر انسان حداقل از هشت هوش برخوردار است (گاردنر، ۱۹۸۳: ۶۷).

این نظریه از دو جنبه حائز اهمیت است: نخست آنکه الگویی مناسب است برای تحقق این امر که انسان‌ها از ابتدا به‌کار و فعالیت پیروزند که در آن مهارت دارند و به آن عشق می‌ورزند و بدون اتلاف وقت و انرژی خود در نهایت خشنودتر باشند؛ دوم این‌که کمک می‌کند کودکان برای یادگیری مسائل مختلف از شاخصه‌های متناسب با هوش برتر خود استفاده کنند. به‌عنوان مثال کودکی که هوش حرکتی بالاتری دارد می‌تواند با بهره‌گیری از حافظه عضلانی خود یک قطعه موسیقایی را سریع‌تر یاد بگیرد. کودکی که هوش کلامی بالاتری دارد، می‌تواند با حفظ کردن نت‌ها آن قطعه را راحت‌تر بنوازد. همچنین کودکی که هوش موسیقایی بالاتری دارد می‌تواند از طریق شنیدن ریتم و فرکانس‌های موسیقایی، یک قطعه را راحت‌تر اجرا کند.

در این مقاله، نتیجه آزمونی میدانی تشریح می‌گردد که

طی آن فرضیه استفاده از نمایش خلاق برای یافتن و پرورش هوش اصلی، یا به تعبیر گاردنر، «هوش برتر» کودکان بررسی و در محدوده آزمون اثبات شده است. در این مسیر، نخست نظریه هوارد گاردنر معرفی خواهد شد؛ آنگاه با استفاده از شاخصه‌هایی که این نظریه در اختیار قرار می‌دهد، نقش نمایش خلاق را در شناسایی و پرورش هوش برتر کودکان بررسی می‌کنیم. این بررسی از نوع توصیفی-تحلیلی بوده، ضمن بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، آزمون‌ها و تجربیات میدانی را نیز شامل می‌شود.

پیشینه پژوهش

در مورد موضوعات هوش، استعداد، هوش‌های چندگانه هوارد گاردنر و سایر موضوعات مرتبط کم‌وبیش منابعی وجود دارد. اما در خصوص بهره‌گیری از نمایش خلاق در مشخص ساختن و پرورش هوش برتر منبعی مشخص یافت نشد. نسیم معجز، الناز قربانی و عظیمه رحیمی (2017, July) در مقاله‌ای با عنوان «تفاوت‌های فردی در یادگیری و آموزش»، ارائه‌شده در اولین کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی تربیتی علوم انسانی و روانشناسی، تفاوت افراد را در یادگیری بررسی کرده‌اند. آنها بیان می‌کنند که تفاوت‌های فردی، باعث اختلال در یادگیری افراد می‌شود و تمام افراد از نظر خانوادگی، فرهنگی و ویژگی‌های فردی با یکدیگر تفاوت دارند. در میان تفاوت‌ها دو عامل «ژنتیک» و «محیط» از مهم‌ترین عواملی به شمار می‌روند که موجب تفاوت افراد از نظر هوش و استعداد می‌شود.

فائزه سیاهکوهی‌نیا و حمیده اخوان (2015, 27 July) در مقاله‌ای با عنوان «هوش‌های چندگانه گاردنر در کلاس درس»، تمرکز خود را بر تأثیر هوش‌های چندگانه، در کلاس گذاشته‌اند. آنها معتقدند که امروزه تمام نظام‌های آموزشی در سرتاسر دنیا، به دنبال کشف توانایی‌های هوشی دانش‌آموزان هستند و این مسئله موجب پیشرفت آنها می‌شود. روش تدریسی که مبتنی بر نظریه هوش‌های چندگانه باشد، موجب شکوفا شدن استعدادهای دانش‌آموزان و تقویت مهارت‌های آنها می‌شود.

حمید رحیمی، علی یزدخواستی و راحله حسن‌پور (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل رابطه بین هوش‌های چندگانه با تفکر خلاق»، نظریه هوش‌های چندگانه را نظریه‌ای شناخت‌گرا معرفی می‌کنند و معتقدند که تفاوت

بیان می‌کند که یکدیگر را کامل می‌کنند. او بازی را یکی از وجوه رفتاری انسانی و آن را نوعی نمایش همراه با حرکت و تفریح عنوان می‌کند که همواره برای کودکان لذت‌بخش و راهکاری برای آموزش زندگی به کودکان بوده است. همچنین او تأثیر نمایش و بازی را یکی می‌داند.

افروز فلاح (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «باغ موسیقی کودک»، با رویکرد خلاقیت، نقش موسیقی و فضا را در ادراک و رفتار کودکان، از جمله در رشد و شکوفایی خلاقیت آنان بررسی کرده است. او مهم‌ترین دوره تکوین شخصیت انسان و علت بسیاری از آسیب‌های روانی را در بزرگسالی، وابسته به دوران کودکی بیان می‌کند. همچنین با توجه به اهمیت بازی، ذکر می‌کند که بسیاری از مسائل مهم تربیتی را می‌توان با کمک بازی‌های ابتکاری حل کرد. نقشی که کودک در بازی‌ها برای خود انتخاب می‌کند، انعکاسی از خواسته‌ها و آرزوهایش است. درواقع، کودک با قرارگرفتن در نقش، خواسته‌ها و آرزوهای خود را بروز می‌دهد. فضای بازی باید به گونه‌ای باشد که رغبت، تخیل و تفکر کودک را برانگیزاند. در کودکان تخیل و خیال‌پردازی ابزاری مهم برای خلاقیت است. جان‌بخشی به اشیاء از مهم‌ترین ویژگی کودکان است که موجب ارتقای مهارت‌های اجتماعی کودکان می‌شود. خیال‌بافی موجب می‌گردد کودک بتواند هر آن‌گونه که دوست دارد خود را تصور کند و بدون محدودیت، هر فعالیتی را انجام دهد. در ادامه، این پایان‌نامه، به بررسی تأثیر محیط مناسب و تأثیر موسیقی بر خلاقیت کودکان می‌پردازد. فضای فعالیتی کودکان باید فضایی با شرایط مطلوب فیزیکی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی باشد.

روش پژوهش

طبق نظریۀ هوش‌های چندگانه هوارد گاردنر، انسان‌ها با هشت هوش وجودی روبه‌رو هستند که این هوش‌ها از استعداد‌های ذاتی آنها به شمار می‌رود. اما در هر فرد یکی از هوش‌ها غالب است. در این پژوهش ابتدا مطالب مرتبط با ضرورت استعدادیابی و اهمیت نمایش خلاق به عنوان بستری امن برای کودکان مطالعه شد، سپس با بررسی دقیق‌تر نظریۀ هوش‌های چندگانه گاردنر، تمام هوش‌های هشت‌گانه به تفصیل مورد بررسی دقیق قرار گرفت، و شاخصه‌های مورد نظرگاردنر در هر هوش، از میان نظریه‌ها استخراج گردید. در ادامه، با توجه به این شاخصه‌ها، نه نمایشنامه کوتاه تالیف و

هوش‌ها موجب تفاوت‌های فردی می‌شود. درواقع، طبق این دیدگاه تمام انسان‌ها، از تمامی هوش‌ها بهره‌برده‌اند، اما در میزان هوش‌ها با یکدیگر متفاوت هستند. همچنین بیان می‌کند نظریۀ هوش‌های گاردنر منجر به تقویت فرایندهای یادگیری، یاددهی و رشد مهارت می‌شود.

حسن پاشا شریفی (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه مقدماتی هوش‌های گاردنر»، نظریۀ هوش را از زمان گذشته مطالعه کرده است. این پژوهش از طریق نشانه‌های هوش، به شناسایی استعداد‌های افراد پرداخته و برای این سنجش تنها به آزمون‌های نظری با پاسخ بلی و خیر و پرسش‌نامه‌ها اکتفا کرده است. باتوجه به اینکه بسیاری از کودکان و والدین شناختی دقیق از خود ندارند نمایش خلاق، ابزار دقیق‌تری است.

میلاد حسن‌نیا، نادر شایگان‌فر و رحمت‌امینی (۱۴۰۰) در مقاله «نقش نمایش خلاق در تعلیم و تربیت»، با بهره‌مندی از آرای جان دیویی^۱، نقش بازی‌های نمایشی را در ارتقای آموزش در مدارس مطرح می‌کنند تا راهکارهایی برای افزایش کارکرد آن ارائه دهند. این پژوهش به رویکرد پایان باز داستان‌ها و اتمام آنها توسط دانش‌آموزان می‌پردازد تا از این طریق، در ذهن دانش‌آموزان مسئله ایجاد و آنها را به حل آن ترغیب کند. دیویی به افسانه، موسیقی و نمایش که در برنامه‌های درسی آموزشگاه فروپ توسط خانم جانسون در نظر گرفته شده، اشاره می‌کند و معتقد است که این برنامه‌ها می‌توانند خواندن و نوشتن را برای دانش‌آموزان تسهیل کنند. آنچه از این مقاله استنباط می‌شود این است که در اجرای نمایش خلاق با تلفیق رویکرد حل مسئله دیویی دانش‌آموزان تمرین می‌کنند که با غلبه بر ترس‌هایشان و با آزمون و خطا در شرایطی امن، در موقعیت‌های پیچیده زندگی تصمیم‌گیری بهتری داشته باشند.

عذرا امامی گواشین (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی کارکردهای نمایشی و آموزشی عروسک‌های بازی بر کودکان»، بر اساس نظریۀ هوش‌های چندگانه گاردنر، به بررسی چگونگی میزان رشد هوش‌های چندگانه کودکان و نوجوانان با تأثیر نمایش عروسکی بر آنان پرداخته است. گواشین، هوش را با ویژگی‌هایی چون یادگیری سریع، محاسبات دقیق و ارائه راه‌حل جدید تعریف می‌کند. او رابطه میان کودک و عروسک و رابطه انسان و شبه‌عروسک را رابطه‌ای کاملاً رمزی، نامرئی و خصوصی

در کلاس های نمایش خلاق برای نقش آفرینی کودکان عرضه و نتیجه آزمون مرحله به مرحله به دقت ثبت گردید. در مرحله آزمون عملی ۵ گروه دهنفره از میان کودکان گروه سنی ۴ تا ۷ سال شرکت داشتند. بنابراین، پژوهش توانمند کتابخانه ای و میدانی و توصیفی-تحلیلی است.

مبانی نظری پژوهش

۱. نظریه هوش های چندگانه

نظریه هوش های چندگانه گاردنر، برای اولین بار در دانشگاه هاروارد مطرح شد. گاردنر نخستین روان شناسی بود که معنای هوش را گسترش داد و به جای وابستگی به ابزارهای تست هوش، هشت سنجش جداگانه از هوش را عنوان کرد. او بیان می کند که ما نمی توانیم برای هوش و استعداد، معنای یکسانی را به کار ببریم. همان طور که در کتاب «خلاقیت در هنر» به آن اشاره شده است، «هوش یک توانایی برای فهم ایده های پیچیده و تطابق با محیط است و استعداد موهبتی خدادادی و اندیشه فردی استثنایی است» (جلالی پور و فیض شیخ الاسلام، ۱۳۹۷: ۶). گاردنر، هوش را تنها به سنجش هوش کلامی-ریاضی محدود نمی کند و برای اندازه گیری آن از توانایی های دیگری مثل توانایی درک فضای سه بعدی، توانایی درک موسیقایی، دانش میان-فردی، بهره می برد. از نظر گاردنر، هوش عبارت است از استعدادی ذاتی که فرد را متمایز می کند و فرد پس از یادگیری یا بدون آموزش می تواند مهارت خود را به شکل نوبغ بروز دهد. چنانچه در فلسفه تاریخ هنر به موارد بسیاری اشاره شده است. «در اوایل قرن بیستم نقاشان بسیاری که آموزش ندیده بودند و درواقع «مکتب ندیده» بودند، در پاریس (مرکز هنری اروپا) به واسطه ذوق شخصی خود به نقاشی پرداختند. در میان تمام نقاشان، تنها نقاشی های هانری روسو مورد توجه هنرشناسان قرار گرفت. او تا پایان عمر، خود را وقف نقاشی کرد» (مرزبان، ۱۳۶۵: ۲۱۹). درواقع، هانری روسو به واسطه هوش تجسمی خود بدون آموزش جزو نقاشان معروف زمان خود شد.

گاردنر برای کسب اطلاعاتی روشن تر در مورد استعداد انسان، در حوزه های هنر، علوم انسانی، علوم اجتماعی، روان شناسی و بیولوژی به مطالعه گسترده پرداخت. وی به عنوان نورولوژیست شواهدی یافت از بیمارانی که یکی از استعدادهایشان آسیب دیده بود اما بقیه استعدادهایشان طبیعی و سالم بود. گاردنر پس از مطالعاتی که روی افراد، با

مغز سالم و مغز آسیب دیده انجام داد، به این نتیجه رسید که وقتی فردی در قسمتی از مغز دچار آسیب می شود، و درواقع یکی از استعدادهایش از بین می رود، در استعدادهای دیگرش خللی وارد نمی شود؛ یا به عبارتی، ضعف در عملکرد یک بخش باعث ضعف در باقی بخش ها نمی شود. به این ترتیب، وی معنای هوش را گسترش داد و ده هوش را معرفی کرد که از استعدادهای ذاتی افراد هستند (رودکی، ۲۰: ۱۳۹۶).

از میان این ده هوش، هشت هوش ثبت جهانی شده اند که عبارت هستند از: هوش موسیقایی؛ هوش جنبشی-حرکتی؛ هوش منطقی-ریاضی؛ هوش درون فردی؛ هوش برون فردی؛ هوش کلامی؛ هوش تجسمی-فضایی؛ هوش طبیعت گرا. در ادامه شاخصه های مربوط به هر هوش به اختصار تشریح می گردد:

۱.۱. **هوش منطقی-ریاضی:** افرادی که هوش منطقی بالایی دارند، می توانند به راحتی حل مسئله کنند، ذهن طبقه بندی شده ای دارند و در مورد هر پدیده ای دنبال علت و معلول می گردند. همچنین آنها به تجزیه و تحلیل داده ها علاقه مندند و می توانند به خوبی هر مسئله ای را تحلیل کنند.

۲.۱. **هوش کلامی:** افرادی که هوش کلامی و زبانی بالایی دارند، بیان بسیار خوبی دارند و می توانند حین گفت و گو از واژگان مناسب و مؤثری استفاده کنند. این افراد، معمولاً روحیه ای طنز دارند و تا حدودی، اغراق آمیز و مبالغه آمیز صحبت می کنند و می توانند در مواقع غیرمنتظره، پاسخ هایی مناسب بدهند. آنها، توانایی حفظ کردن فوق العاده ای دارند. علاقه مند به یادگیری زبان های مختلف هستند. معمولاً از کلمات ادبی استفاده می کنند و می توانند کلام تأثیرگذاری داشته باشند.

۳.۱. **هوش طبیعت گرا:** افراد دارای هوش طبیعت گرا توانایی شناخت محیط بیرونی و طبیعی را دارند. می توانند نظام های طبیعی را درک کنند و الگوهای موجود در طبیعت را بشناسند. آنها به گیاهان، جانوران و انواع گونه ها علاقه مند هستند و حس مسئولیت دارند. این افراد معمولاً در برابر طبیعت کنجکاو هستند و از باغبانی و نگهداری از گیاهان لذت می برند. به دیدن برنامه های مستند علاقه دارند و از ترکیب مواد مختلف لذت می برند.

۴.۱. **هوش میان-فردی:** این افراد به خوبی می توانند با دیگران ارتباطی مؤثر داشته باشند و به خوبی با دیگران

۸.۱. **هوش جنبشی-حرکتی:** این افراد می‌توانند به خوبی از اعضای بدن خود استفاده کنند و معمولاً در کار کردن با اشیاء مهارت دارند. آنها بر حرکات بدن خود، کنترل و تعادل دارند و از هماهنگی چشم و دست بالایی برخوردارند. افراد با هوش جنبشی و حرکتی بالا، معمولاً هر فعالیت حرکتی را ترجیح داده، موقع صحبت کردن بدن خود را تکان می‌دهند. آنها عموماً هنگام نشستن در حال تکان دادن پاهای خود هستند، برای بیان احساس خود از حرکت دست و صورت استفاده می‌کنند و احساساتشان را با صورت خود نشان می‌دهند. این افراد به درست کردن لگو و کارهای دستی و پیچ‌ومهره علاقه دارند، ترجیح می‌دهند فعال باشند و بیشتر از کلمه «بازی» استفاده می‌کنند (رضائی، ۱۳۹۲: ۵۷).

۲. بازی‌های نمادین

نقطهٔ اوج بازی‌های کودکان، بازی‌های نمادین است. در زندگی کودکان بازی‌های نمادین نقشی بسیار اساسی ایفا می‌کند. کودک نیاز دارد به صورت مداوم با دنیای بزرگترها و جهان بیرونی خود در ارتباط باشد، ولی نمی‌تواند نیازهای خود را با این جهان بیرونی سازگار کند. برخلاف گروه سنی بزرگسال، کودک نمی‌تواند به راحتی با محیط سازگار شود. در نتیجه دست به ناسازگاری می‌زند. کودک با قرار گرفتن در بازی نمادین خود را با واقعیت بیرونی یکی نمی‌کند، بلکه واقعیت‌ها را تغییر می‌دهد و آنها را با نیازهای خود متناسب می‌کند. بازی‌های نمادین، نقش زبان را بر عهده دارند. کارل گروس^۲ معتقد است بازی کودکان، دارای معنا و کارکرد است و تنها برای رفع خستگی کودک نیست. بویتندیک^۳ «بازی» را از قوانین پویایی کودکی می‌داند و آن را تنها به چند کارکرد محدود نمی‌کند. او بازی را ناشی از ساختار ذهن کودک می‌داند و بیان می‌کند: «باید به ساختار ذهنی کودکان پرداخت» (پیازه و اینهلدر ۱۳۸۳، ۷۷). کودک در جریان رشد، برای توجیه تجربه‌های زندگی خود و بیان آنها از نمادهایی استفاده می‌کند که در بازی‌های نمادین خود ساخته است؛ زیرا کلام و زبان کودک قادر به توجیه این تجربه‌ها نیست. این رغبت کودک به استفاده از بازی‌های نمادین، صرفاً مختص فعالیت‌های آگاهانه او نیست بلکه کشمکش‌های درونی کودک را نیز، مانند ترس از خطر، پرخاشگری، در خود فرو رفتن و... شامل می‌شود. «استفاده از بازی‌های نمادین یکی از روش‌های اصلی روانکاوان، برای تشخیص آسیب‌های روانی کودکان

سازگار شوند. آنها می‌توانند احساسات دیگران را درک و به راحتی در آنان نفوذ کنند. افراد دارای هوش میان فردی معمولاً افراد مثبت‌اندیشی هستند و می‌توانند نکات ظریف رفتار دیگران را تشخیص دهند و توانایی همراهی و همدلی با دیگران را دارند. آنها، توانایی بالا در هدایت و رهبری گروه را دارند و می‌توانند به خوبی برای برنامه‌ها، برنامه‌ریزی کنند. ۵.۱. **هوش درون فردی:** این افراد توانایی بالایی در شناختن خود دارند، احساس‌ها، ترس‌ها و انگیزه‌های خود را می‌شناسند و از ضعف‌ها و توانایی‌های خود آگاهی دارند. افرادی که در این هوش ضعیف هستند معمولاً گله‌مند هستند، دلیل ناراحتی و حال بد خود را نمی‌دانند، معمولاً بی دلیل عصبانی هستند و از علایق شخصی خود، اطلاع کافی ندارند و معمولاً پاسخ‌هایی ابهام‌آمیز دارند. افرادی که هوش درون فردی بالایی دارند معمولاً نظرات خودشان را به راحتی بیان می‌کنند و خود را در اولویت قرار می‌دهند.

۶.۱. **هوش دیداری-فضایی:** این افراد توانایی تصویرسازی ذهنی دارند. به جزییات تصویری دقت می‌کنند و به ساخت پازل و ساخت الگوها علاقه‌مند هستند. می‌توانند موقعیت‌های فضایی را درک کنند و توانایی دید سه بعدی دارند. این افراد در پیدا کردن آدرس، موفق‌تر عمل می‌کنند و به خوبی آدرس می‌دهند. همچنین، توانایی بالایی در نقشه خوانی دارند و در درس‌های مرتبط با ساختن و تصاویر سه بعدی موفق هستند. افراد با هوش تجسمی بالا؛ به نقاشی، لگو، تزیینات، دکوراسیون و دروس هندسه علاقه دارند. آنها، حافظهٔ تصویری خوبی دارند و می‌توانند از اجسام شبیه‌سازی کنند. افرادی که تخیل قوی‌تری دارند و داستان‌های خیالی تعریف می‌کنند، در صورتی که در پشت آن داستان، ترس یا نفعی نداشته باشند، را معمولاً جزو این گروه تلقی می‌کنند.

۷.۱. **هوش موسیقایی:** افرادی که هوش موسیقایی بالایی دارند می‌توانند، به راحتی ریتم قطعات را به خاطر بسپارند. آنها حساسیت شنیداری و درک ریتمیک دارند. نسبت به تعداد صداها، کشش صداها، شدت و فرکانس صداها حساس هستند و به خوبی می‌توانند نت‌ها را از یکدیگر تشخیص دهند. این افراد معمولاً مفاهیم درسی را با موسیقی و از طریق شنیدن بهتر یاد می‌گیرند، از آواز خواندن لذت می‌برند و توانایی تقلید صدا دارند. آنها یادگیری از طریق فیلم‌های آموزشی را به نوشتن ترجیح می‌دهند و نسبت به سازها شناختی خوب دارند.

است. قوانین بازی های نمادین کودکان، همگانی بوده است» (پیاژه و اینهلدر، ۱۳۸۳: ۷۸)

با توجه به اهمیت و نقش بازی های نمادین و اهمیت نمایش خلاق به عنوان یکی از فعالیت هایی که سرشار از بازی های نمادین است، به بررسی نمایش خلاق می پردازیم.

۳. نمایش خلاق

آنچه اهمیت دارد و مد نظر پژوهش ما است، تأثیر هنر و تئاتر (نمایش خلاق) بر استعدادیابی است. نمایش خلاق می تواند، روی کودکان و نوجوانان تأثیری به سزا داشته باشد. با مطرح کردن مسائل تربیتی و روان شناسی کودکان و باز نمود آن در جامعه، به مسائل و مشکلات اجتماعی کودکان پرداخته شده است که عمده یا سهواً، دچار آسیب شده اند. افرادی که دچار مشکلاتی، از قبیل عدم اعتماد به نفس یا عدم عزت نفس، خجالتی بودن، استرس، اضطراب، خشم، ترس و یا حس عدم اعتماد هستند و گاهی نتیجه استعدادیابی را دچار خطا می کنند. چنانچه اشاره شده است: «پرخاشگری در نوجوانان امری شایع است و یکی از ویژگی های روانشناختی نوجوانان افزایش گرایش به رفتارهای پرخاشگرانه است و نوجوانان پرخاشگر معمولاً دارای مشکلاتی در زمینه سازگاری اجتماعی هستند» (احدی فر و دیگران، ۱۴۰۰: ۹۹).

تمام این مسائل در بیشتر مواقع، مانع شناسایی هوش برتر کودکان می شود. درواقع کودکان با موانعی روبه رو هستند که باعث می شود شخصیت حقیقی شان را نشان ندهند. به عقیده فروید: «انسان می تواند امیال و آرزوهایی داشته باشد که در ضمیر ناآگاه مخفی شده و با این وجود انگیزه ای برای رفتار و کردار او به شمار روند.» (فروم، ۱۳۷۷: ۶۱) امیال و آرزوهای ناآگاه ممکن است به دلیل ترس از دست دادن، ترس از عدم محبت و یا ترس از عدم تایید، سرکوب شوند، اما این امیال، آرزوها و درواقع استعدادها موجودیت دارند و در ضمیر ناخودآگاه به فعالیت ادامه می دهند. به عنوان مثال، کودکی که هوش میان فردی یا کلامی بسیار بالایی دارد، اما در اثر رفتارهای اشتباه از سوی والدین، مثل سرکوب شدن یا بی توجهی، نمی تواند استعداد خود را بروز دهد و یا درواقع استعداد او سرکوب شده است.

ضرورت شناختن بهتر کودکان و ایجاد فضایی امن، برای آنها در اینجا خود را نشان می دهد. کودکان نیاز به

فضایی دارند تا بتوانند در آن احساس امنیت کنند و بدون آنکه در معرض سنجش یا اضطراب ناشی از آن قرار بگیرند، شخصیت واقعی خود را نشان دهند. هنر و تئاتر می تواند در این روند جایگاهی ویژه داشته باشد. شرکت کردن کودکان در کلاس های نمایشی می تواند به آنها کمک کند تا در شرایطی امن و فضایی توأم با آرامش همراه با برون ریزی احساسات به دور از تنش ها استعدادیابی شوند. همان طور که عنوان شده است، «نمایش خلاق از طریق فعال سازی و پویایی ذهن و برون ریزی احساساتی موجب کاهش اختلال های درون نمود کودکان می شود» (فرحزادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۷).

یافته های پژوهش

این پژوهش در سه مرحله برنامه ریزی شد:

- در مرحله اول: به صورت تصادفی و از طریق فراخوان، از کودکان چهار تا هفت سال که قبلاً در هیچ دوره آموزشی شرکت نکرده بودند، خواسته شد در کلاس های نمایش خلاق با موضوع آزاد، مبتنی بر بداهه پردازی و پایان باز، شرکت کنند تا به شناختی بهتر از خود دست یابند. این کلاس، با کمک تسهیل گر، در سه جلسه آموزشی و هر جلسه به مدت دو ساعت، برنامه ریزی شد. درواقع، در این کلاس، برای کودکان این شرایط فراهم شد تا در یک فضای امن، با کمک تکنیک های روان شناسی و نمایش خلاق به یک آرامش ذهنی دست یابند و از عوامل جانبی تأثیرگذار بر نتیجه ارزیابی، مثل عدم اعتماد به نفس، کم رویی، اضطراب، عدم تمرکز و خشم دور شوند. برای دستیابی به این هدف، از تکنیک های روان شناسی و اتودهای نمایشی استفاده شد. این کلاس به صورت آزاد، توسط تسهیل گر و با تمرکز بر کودکان، طراحی شد و هدف آن مواردی بود که پیش تر، به آن اشاره گردید.

کودکان با شرکت در این کلاس، به صورت آزادانه و بر پایه بداهه پردازی، با کمک تسهیل گر کلاس را پیش بردند. در پایان سه جلسه، کودکان با یکدیگر و مربی خود ارتباط بهتری پیدا کردند. همچنین آنها در قالب شخصیت جدید، با کلاس همکاری داشتند. در این کلاس، برخلاف کلاسی که با روش بازی و مستقیم برگزار شد، کودکان اتودها و تمرین ها را انجام می دادند و با توجه به نقشی که در نمایش خلاق داشتند، از انجام تمرین ها خودداری نکردند. همچنین با توجه به این که، نقشی جدید گرفته بودند، از عواملی مثل کم رویی،

را حفظ کنند و کلمات را با لحن صحیح و به گونه‌ای متفاوت بیان کنند تا مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهند. در بخشی از نمایشنامه، شخصیت‌ها باید گفت‌وگوی خود را با بداهه‌پردازی پیش ببرند و بکوشند برای رساندن منظور خود در طول نمایش از واژگانی مناسب استفاده کنند. ایجاد سکوت میان دیالوگ‌ها، مکث و دیگر مواردی که موجب تأثیرگذاری بیشتر دیالوگ‌ها می‌شود، نشانه هوش کلامی است. تسهیل‌گر یا مربی با توجه به این نشانه‌ها و توجه به شخصیت‌ها می‌تواند، هوش کلامی کودکان را در کلاس نمایش خلاق بسنجد. در این میان کودکانی که هوش کلامی بالایی ندارند، نمی‌توانند دیالوگ‌های خود را حفظ کنند. معمولاً متن را فراموش می‌کنند و فرایند یادگیری آنها تا چند جلسه ادامه می‌یابد.

۲. نشانه‌های هوش حرکتی در متن نمایش: طبق شاخصه‌های هوش‌های گاردنر، کسی که، می‌تواند به‌خوبی و با مهارت، بین اعضای بدن خود، (چشم، دست و پا) هماهنگی ایجاد کند از هوش حرکتی بالایی برخوردار است. در نمایشنامه پیوست، کودکان در نقش کاراکترها در طول نمایش در حال حرکت، ایستادن و دویدن هستند. آنها باید به‌موقع عکس‌العمل نشان دهند. با سرعت و فیگورهای مشخص‌شده در نمایش حرکت و بدن خود را کنترل کنند. در این نمایشنامه می‌خوانیم، جوجه می‌پرد بالا. اول بال سمت راست و بعد بال سمت چپ‌اش را می‌چرخاند. کله‌اش را حرکت می‌دهد و هم زمان با صدای پخش موسیقی و با توجه به ریتم موسیقی شروع به حرکت کردن می‌کند. قدم به قدم، با ادا و اطوار، راه می‌رود و کم‌کم با توجه به ریتم موسیقی شروع به رقصیدن می‌کند.

کاراکترها باید هنگام بیان دیالوگ‌ها، بکوشند بین دیالوگ‌های خود و بدن خود هماهنگی ایجاد کنند و بتوانند با حرکت‌های نمایشی دیالوگ‌ها را واقعی‌تر جلوه دهند. همچنین در بخش‌هایی از نمایش که کاراکترها باید از موقعیت فرار کنند، عکس‌العمل به‌موقع و سرعت آنها نشان دهنده هوش حرکتی بالایی آنها است که باید توسط تسهیل‌گر بررسی شود. در «تصویر ۱» شخصیت‌ها در حال فرار از موقعیت هستند.

۳. نشانه‌های هوش موسیقایی در متن نمایش: حرکت کاراکترها بر روی ریتم موسیقی، تشخیص ضرب‌ها، از شاخصه‌های هوش‌های موسیقایی مورد نظر گاردنر است. در این متن نمایشی، کاراکترها باید دقیقاً بر اساس

عدم اعتماد به نفس، وابستگی، ترس، رها شدند و تمرین‌ها را، راحت‌تر انجام دادند. به‌عنوان مثال، در یک مورد، زمانی که از کودکی خواسته شد تا یک اتود تمرینی را انجام دهد، کودک به دلیل عواملی که به آن اشاره شد از انجام تمرین خودداری کرد، این بار به کودک گفته شد در نقش ملکه به دست‌هایش دستور دهد تا آن کار را انجام دهد. کودک بدون مقاومت تمرین را انجام داد. در مثالی دیگر، به کودکی که حاضر به خواندن آواز نبود. نقش و لباس یک خرگوش آوازه‌خوان داده شد، این بار با صدا کردن عنوان خرگوش از او خواسته شد آواز خود را بخواند. در مثالی دیگر، به کودکان عروسک‌های انگشتی داده و از آنها خواسته شد با به دست کردن عروسک‌ها، به آنها کمک کنند تا حرکتی را با دست‌هایشان اجرا کنند. در تمام این موارد، کودکانی که در ابتدا حاضر به همکاری نبودند، تمام اتودهای کلاس را انجام دادند.

- در مرحله دوم: یک سناریوی نمایشی با هدف شناسایی هوش برتر کودکان نوشته شد و تمام شاخصه‌های هوش‌های چندگانه گاردنر در متن نمایشی قرار داده شد و بازخوردها و عکس‌العمل‌های کودکان در حین بازی نمایشی ثبت گردید. در این نمایشنامه شاخصه‌های مورد نظر گاردنر در قالب بیان دیالوگ‌ها، حرکت‌های نمایشی، توانایی‌های شنیداری و تجسم صحنه، صحنه‌سازی و... در نظر گرفته شد که به صورت دقیق به بررسی آن می‌پردازیم. متن نمایشنامه اصلی در پیوست مقاله ذکر شده است.

بررسی هوش‌های هشت‌گانه

در ادامه، روش تعیین و پرورش هوش‌های هشت‌گانه، به کمک فرم‌های فرعی نمایشنامه‌ای که در پیوست مقاله ذکر شده، تشریح می‌گردد.

۱. نشانه‌های هوش کلامی در متن نمایش: همان‌طور که در نمایشنامه پیوست آمده است، کودکان در مقام کاراکتر نمایش جملاتی را در قالب تک‌گویی یا گفت‌وگو بیان می‌کنند و میزان توانایی آنها در ادای جملات نشانه‌هایی از هوش کلامی مورد نظر گاردنر است. مثال:

خروس: بیا لاک‌ی جان بیا پیش ما. خوش اومدی.
گره: (با صدای آرام، طوری که لاک‌ی نشنود) ولش کن. برسه اینجا شب میشه.

کودکانی که از هوش کلامی بالاتری برخوردارند، می‌توانند به راحتی دیالوگ‌ها و مونولوگ‌های متن نمایشی

دیوارپوش های گیاهی در فضا استفاده شده است.

۵. نشانه های هوش منطقی در متن نمایش: در نمایشنامه پیشنهادی به اعداد و شمارش توجه شده است. از کاراکترها خواسته می شود تا نقشه ای را ترسیم کنند و بر اساس نقشه، مسیر خود را پیدا کنند. توجه و علاقه مندی به اعداد، ترسیم نقشه با توجه به اعداد مشخص شده از نشانه های هوش منطقی گاردنر است. در این نمایش نیز، کاراکترها بر اساس اعداد حرکت می کنند تا مسیر خود را پیدا کنند. مثال، قطعه ای از نمایشنامه: لاک: من مسیر رو بلدم. پنج قدم میرید سمت راست، سه قدم می رید جلو، پنج تا قدم می رید چپ، چهار قدم می آید به سمت بالای کوه بعدش مستقیم می رید و تا ۴۰ می شمارید. بهتره اول یه کاغذ بیارید و نقشه رو بکشید.

در این نمایشنامه، کودکان باید مسیر نمایش را تحلیل کنند و با بداهه پردازی آن را پیش ببرند. آنها باید در موقعیت های مختلف نمایشی تصمیم بگیرند و با استدلال خود کاراکترها، بازی ها، دیالوگ ها، مونولوگ ها و نمایش را مورد نقد و بررسی قرار دهند. آنها نمی توانند از صفات خوب یا بد استفاده کنند، بلکه باید به بررسی علت ها پردازند. تمام این موارد از نشانه های هوش منطقی مورد نظر گاردنر است که در متن نمایش به آن توجه شده است.

۶. نشانه های هوش تجسمی در متن نمایش: همان طور که در متن نمایشنامه پیوست آمده است، کودکان در نقش کاراکترها به ساخت فضای صحنه می پردازند. آنها باید به جزئیات صحنه توجه کنند و درک سه بعدی از فضا داشته باشند، تمام این موارد، از نشانه های هوش تجسمی مورد نظر گاردنر است. نمونه ای از نمایشنامه پیشنهادی:

ریتیم شنیداری، حرکت کنند، قدم بزنند، بدوند و بایستند. کاراکترها باید صداهای شنیده شده را تقلید کنند و ریتیم موسیقی در حال پخش را تشخیص دهند. آنها باید، با اتمام صدای موسیقی، به موقع بایستند و به صداها و سکوت ها و شدت و تمپوی موسیقی در نمایش توجه کنند. در نمایشنامه پیوست، کودکان در نقش کاراکترها باید آواز بخوانند که طبق نظریه گاردنر، یکی از نشانه های هوش موسیقایی است.

موسیقی با صدای بلندی پخش می شود. هم زمان جوجه از دست گربه رها می شود و شروع به فرار کردن می کند. گربه و جوجه همراه با موسیقی شروع به دویدن در صحنه می کنند. با وارد شدن خروس به صحنه و قطع صدای موسیقی، هر دو خسته بر روی زمین می افتند.

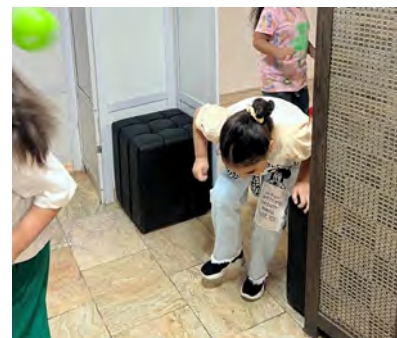
همان طور که در «تصویر ۲» دیده می شود، کودکان در حال ساخت یک ریتیم برای نمایش هستند.

۴. نشانه های هوش طبیعت گرایی در متن نمایش: در اجرای نمایشنامه پیوست، چیدمان صحنه طبیعت، توسط کودکان انجام می شود. وجود درختچه های اطراف صحنه، گل های طبیعی، خاک و تمام عناصر طبیعی که در صحنه، مقابل کودکان قرار می گیرد، میزان مشارکت، همراهی و علاقه مندی کودکان در این بخش نشانه هوش طبیعت گرایی کودکان است. طبق شاخصه های هوش های گاردنر، کودکانی که هوش طبیعت گرایی بالاتری دارند، در چیدمان صحنه با گروه همکاری و فعالیت می کنند. مثال، قطعه ای از نمایش با دستورالعمل های اجرایی:

دو درختچه، در دو طرف صحنه قرار دارند و زمین با خاک، سنگ و چمن مصنوعی پوشیده شده است. گلدان های بزرگ باغبانی، در وسط صحنه قرار گرفته اند و از



تصویر ۲. شناخت ریتیم، ساخت و اجرای موسیقی برای نمایش؛ نشانه هوش موسیقایی.



تصویر ۱. حرکت کودکان در مسیرها و موانع مختلف؛ مربوط به هوش حرکتی.

کودکانی که هوش میان‌فردی بالایی دارند با دیگر اعضای گروه همکاری کرده و از فعالیت‌های گروهی استقبال می‌کنند. آنها مهارت بالایی در درک دیگران دارند. همچنین آنها فعالیت‌های گروهی مثل رقصیدن با گروه، آواز گروهی و بازی‌های گروهی را نسبت به کارهای فردی ترجیح می‌دهند.

در پایان به اختصار نتایج بررسی دو کودک به کدهای A-B بیان شده است.

کودک A در هنگام بازی‌های نمایشی، در بخش فعالیت‌های مربوط به ساختن صحنه ایده و نظری نداشت و بعد از زمانی کوتاه از همراهی خودداری کرد. همچنین هنگام بیان دیالوگ‌ها نمی‌توانست به‌خوبی از زبان بدن خود استفاده کند و نمی‌توانست به‌راحتی با نقش‌های مختلف ارتباط برقرار کند. اما در مقابل به‌راحتی و خیلی سریع ریتم موسیقایی نمایش را تشخیص داد و در زمان‌های مختلف به‌راحتی بر اساس ریتم حرکت کرد، به‌موقع ایستاد، هنگام بیان دیالوگ‌های خود مکث کرد و به‌خوبی توانست در این بخش همراهی کند. در بخش‌هایی از اجرای نمایش که نیاز به انتخاب مونولوگ و دیالوگ داشت، وی نقش‌های مونولوگ‌محور را انتخاب کرد و کارهای فردی را اولویت خود قرار داد. کودک شماره A به صورت نسبی به تمام هوش‌ها پاسخ داد، اما در میان تمام واکنش‌هایش در بخش فعالیت‌های موسیقی به شکل دقیق‌تر و علاقه‌مندتر و در اولین

هر سه در صحنه جدید شروع به ساخت یک فضای دیگر برای مسابقه می‌کنند. در تمرینات نمایشی، پشت صحنه توسط کودکان، طراحی و ساخته می‌شود.

همچنین، علاقه‌مندی کودکان به ساخت صحنه و دکوراسیون محیط، دادن ایده‌های کاربردی، نشانه‌هایی از هوش تجسمی است. در این نمایش، کودکان باید دیالوگ‌های خود را با زبان ایما و اشاره بیان کنند و موقعیت نمایشی خود را تجسم کنند تا بتوانند در نقش‌های مختلف قرار بگیرند.

در «تصویر ۳» کودکان در حال طراحی فضای صحنه نمایش هستند.

۷. نشانه‌های هوش درون‌فردی در متن نمایش: گفتن مونولوگ‌ها و روابط میان کاراکترها در نمایش، نشانه‌هایی از هوش درون‌فردی مورد نظر گاردنر است که می‌توان با توجه کردن به عکس‌العمل‌های کودکان در نقش‌ها، آنها را شناسایی کرد. در این نمایش، کودکان باید میان بیان دیالوگ و مونولوگ نقش‌های خود را انتخاب کنند. در فعالیت‌های گروهی مشارکت کنند، آنها باید تصمیم بگیرند، با یکدیگر صحبت کنند، بازی کنند، آواز بخوانند و برقصند، یا نقش‌هایی را به‌عهده بگیرند که در آنها باید به تنهایی، نقش‌آفرینی کنند. در این میان، کودکانی که تمایل به انجام فعالیت‌ها و نقش‌های تکی دارند و به صورت مستقل رفتار می‌کنند هوش درون‌فردی بالاتری دارند.

۸. نشانه‌های هوش میان‌فردی در متن نمایش: در این نمایش، گفتن دیالوگ‌ها میان شخصیت‌ها نشانه‌ای از هوش میان‌فردی کودکان است.

«تصویر ۴» ارتباط میان شخصیت‌ها را نشان می‌دهد.



تصویر ۴. نقش بازی و قرارگیری در نقش جدید و ارتباط میان شخصیت‌ها؛ نشانه هوش میان‌فردی.



تصویر ۳. ترسیم نقشه و صحنه نمایش و تعامل گروهی؛ نشانه هوش تجسمی.

صورت مداوم در تکرار و تمرین ابعاد همان هوش قرار دارد. به گفته روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت، تکرار موجب یادگیری می‌شود. کودکی که در روز اول نتواند دیالوگی را حفظ کند در جلسات دوم، سوم و درنهایت، با تکرار آن دیالوگ را حفظ می‌کند. طبق این مسئله، تشخیص هوش‌های هر کودک باید در مراحل مختلف و با سنجش با خود کودک انجام شود. کودکی که در مواجهه اول، متن‌ها و دیالوگ‌ها را به راحتی حفظ می‌کند، هوش کلامی بالاتری دارد و کودکی که متن‌ها را در جلسه چهارم و با تکرار حفظ می‌کند، ممکن است هوش کلامی پایین‌تری داشته باشد. زیرا استعداد، توانایی هست که انسان‌ها ذاتاً درگیر آن هستند نه آنچه با تکرار و یادگیری اتفاق می‌افتد.

یکی از اهداف نمایش خلاق حل مسئله است که درواقع از نشانه‌های هوش منطقی، است. هدف نمایش خلاق، نشان دادن توانایی بازیگری افراد به خود آنها است تا بتوانند مستقل رفتار کنند و مسائل مربوط به خود را درک کنند (صبوری و دیگران، ۶۰: ۱۳۹۴).

همین مسئله، بعد پرورش هوش‌ها و تأثیر نمایش را در پژوهش ما اثبات می‌کند. درواقع شرکت کردن کودکان در کلاس‌های نمایش خلاق و تکرار تمرین‌ها و مواجهه با هوش‌ها می‌تواند هوش شاخص کودک را پرورش دهد.

جهت دقیق‌تر شدن هدف پژوهشی، و ادامه صحیح فرایند پرورش هوش‌های چندگانه، در شرایط یکسان و کم شدن خطا، تمام نمایشنامه‌ها با استناد به نمایشنامه اول (نمایشنامه اصلی) و در ادامه همان نمایشنامه و قرار دادن همان کاراکترها در موقعیت‌های مختلف (شاخصه‌های هوش‌ها) نوشته شد.

نتیجه‌گیری

با توجه به ضرورت شناخت و پرورش استعداد های کودکان و اهمیت آن در آموزش و پرورش نسل آینده و با در نظر داشتن آسیب‌های اجتماعی وارد بر کودکان، مثل ترس، خجالت، عدم اعتماد به نفس، نقش نمایش خلاق به عنوان بستری امن برای کودکان در نظر گرفته شد تا بتوانند در فضایی مناسب تست‌های استعدادیابی را پاسخ دهند. برای بررسی این فرض و با هدف دستیابی به روش‌هایی برای شناسایی و پرورش هوش برتر، تعدادی از کودکان گروه سنی ۴ تا ۷ سال، ضمن شرکت در کلاس نمایش خلاق که با هدف

مواجهه پاسخی بهتر نسبت به سایر هوش‌ها داد. در مقابل، وی در هنگام تمرینات نمایشی، در بخش فعالیت‌های مربوط به هوش تجسمی ضعیف‌تر عمل کرد. در بخش بعد از کودک شماره A خواسته شد در کلاس نمایش خلاق نقش آفرینی کند که بر محوریت تقویت هوش تجسمی بود. کودک B در هنگام بازی‌های نمایشی، به سرعت دیالوگ‌های نمایش را حفظ کرد و به راحتی با لحن‌های جالب به بیان آنها پرداخت. در میان بیان دیالوگ‌های ناخواسته بداهه‌های متفاوت و گاهی طنزآلود بیان کرد. همچنین، برخلاف کودک شماره A به انجام بازی‌های گروهی علاقه‌مند بود. همچنین نقش‌هایی را انتخاب کرد که بتواند با دیگران گفت‌وگو کند. در مقابل با تمام توضیحاتی که در تمرینات نمایش به تمام کودکان داده شد، نتوانست ریتم قطعه را از نظر شنیداری تشخیص دهد. هنگام حرکت کردن یا دویدن بر اساس ریتم، پایان ریتم را تشخیص نداد و گاهی زودتر یا دیرتر می‌ایستاد.

همچنین در فعالیت‌های مربوط به هوش منطقی، می‌توانست به خوبی شمارش‌ها را انجام دهد، بر اساس الگوها حرکت کند. برای ادامه تمرینات پیشنهاداتی مناسب داد اما پیشنهاد خلاقانه‌ای توسط کودک ارائه نشد و یا در هنگام ارائه نظر و بررسی دیگر نقش‌ها نظری در مقابل بازی باقی کودکان نداشت. کودک شماره B نیز مانند کودک شماره A به صورت نسبی و نرمال به تمام هوش‌ها پاسخ مناسبی داد که نشانگر سطح استاندارد هوش‌های او است. اما در میان این هوش‌ها در بخش هوش کلامی و میان فردی قوی‌تر رفتار کرد و به در حالت مقایسه از میان تمام هوش‌هایش به این بخش توجه بیشتری داشت و در اتوهای مربوط به هوش موسیقایی ضعیف‌تر رفتار کرد. در بخش بعد از کودک شماره B خواسته شد در کلاس نمایش خلاق نقش آفرینی کند که بر محوریت تقویت هوش موسیقایی بود.

در مرحله سوم، بعد از شناسایی هوش برتر، و درواقع استعداد کودک، جهت پرورش هوش‌های هشت‌گانه در کلاس‌های نمایش خلاق، هشت نمایشنامه، متناسب با هشت هوش وجودی نوشته شد. در هر نمایشنامه هدف، یک هوش در نظر گرفته شد و تکنیک‌های پرورش هوش (شاخصه‌های همان هوش)، در متن نمایشنامه لحاظ شد. پس از شناسایی هوش برتر کودک، با استناد به نمایشنامه مرتبط، کودک می‌تواند در نمایشی نقش آفرینی کند که به

تجسمی و هوش طبیعت‌گرایی کودکان توسط تسهیل‌گر مشخص شد.

کلاس نمایش خلاق موردنظر پژوهش ما، سراسر دیالوگ و مونولوگ بود. مکالماتی که میان شخصیت‌ها انجام شد، نشانه‌ای از هوش کلامی مورد نظر گاردنر بود. در بررسی این هوش، کودکان در قالب شخصیت‌ها، مکالمات مربوط به نقش‌های خود را حفظ می‌کردند و می‌کوشیدند آنها را به گونه‌ای تأثیرگذار بیان کنند.

در ادامه روند پژوهش، با توجه به اهمیت پرورش هوش، در اثر تکرار و تمرین کودکان با توجه به هوش برتر خود، در کلاس نمایش خلاق‌ای (در ده جلسه آموزشی) شرکت کردند که هدف آن تنها، پرورش یک هوش بود. کودک از ابتدای کلاس نمایش، در تکرار و تمرین مداوم یک هوش قرار گرفت. در پایان کلاس هوش مورد نظر کودک نسبت به ابتدای شروع دوره، پرورش یافته بود و درواقع آنها بعد از چند جلسه تمرین کلاس‌های نمایش خلاق، رفتار متفاوت‌تری داشتند. در ادامه، نتایج بررسی دو کودک به کدهای A و B به اختصار بیان شده است.

کودک A با شرکت کردن در کلاس نمایش خلاق مبتنی بر تقویت هوش تجسمی از ابتدا و در طول ده جلسه به تمرین اتودها پرداخت. از کودک خواسته شد در نقش‌های مختلف قرار بگیرد. به او فضایی داده شد تا به کمک تسهیل‌گر به چیدمان صحنه و بازنگری صحنه از زوایای مختلف بپردازد. همچنین در هر جلسه از کودک خواسته شد تا دیالوگ‌ها را با تجسم از نگاه شخصیت‌های مختلف بیان کند. در طول ده جلسه تمرین در اثر تکرار و تمرین اتودها به شیوه غیرمستقیم کودک در روند یادگیری قرار گرفت و در جلسات پایانی در مقابل اتوهای جدید پاسخ‌های سریع‌تر و بهتری ارائه داد. در نتیجه هوش تجسمی کودک نسبت به ابتدای دوره پرورش یافته بود.

کودک B با شرکت کردن در کلاس نمایش خلاق مبتنی بر تقویت هوش موسیقایی از ابتدا و در طول ده جلسه به تمرین اتوهای موسیقایی پرداخت. از کودک خواسته شد به صداهای کلاس‌های نمایشی توجه کند و کم‌کم با تقویت دقت شنیداری، فرکانس‌های صدایی را تشخیص دهد و بکوشد صدای گربه، جوجه و شخصیت‌های مختلف را تقلید کند. در سرتاسر نمایش از موسیقی با ریتم‌هایی مختلف استفاده، و از کودک خواسته شد با شنیدن ریتم‌ها

شناسایی و پرورش هوش‌های مورد نظر گاردنر نوشته شده بود، در قالب اتودهای نمایشی به آزمون‌های استعدادیابی پاسخ دادند. کودکانی که در کلاس‌های نمایش خلاق، شرکت کرده بودند، ارتباط بهتری با گروه و تسهیل‌گر، برقرار کردند و اتودهای استعدادیابی را در قالب شخصیت جدید و به شکل نمایش، انجام دادند. درواقع کودکانی که قبلاً حاضر به انجام اتودها و بازی‌های استعدادیابی نبودند، در قالب نقش جدید تمام اتودها را انجام دادند.

در نتیجه این پژوهش شرکت کردن کودکان، در کلاس نمایش خلاق، موجب شناسایی هوش برتر آنها توسط تسهیل‌گر شد. کودکان با شرکت کردن در کلاس‌های نمایش خلاق، به فعالیت‌هایی پرداختند که از نشانه‌های هوش‌های گاردنر بود. آنها در جریان کلاس نمایش خلاق به بداهه‌پردازی پرداختند و در پایان نمایش، بازی خود و دیگران را تحلیل کردند. تسهیل‌گر، با توجه به تحلیل کودکان و ثبت نظرات آنها توانست هوش منطقی کودکان را شناسایی کند.

در کلاس‌های نمایش خلاق، کودکان به گفت‌وگو پرداختند، درواقع آنها از میان نقش‌ها و شخصیت‌ها، گفت‌وگوی دیالوگ‌محور یا مونولوگ محور را مطابق با میل خود انتخاب کردند. آنها در مواجهه با فعالیت‌های گروهی یا فردی کلاس‌های نمایش خلاق، بازخوردهای متفاوتی داشتند. با در نظر گرفتن روابط میان کودکان و تمایل آنها به انجام فعالیت‌های مختلف، هوش میان‌فردی و درون‌فردی کودکان توسط تسهیل‌گر ارزیابی شد.

در کلاس نمایش خلاق مورد نظر این پژوهش، از فعالیت‌های حرکتی و موسیقایی در نمایش استفاده شد. شخصیت‌ها همراه با موسیقی آواز می‌خواندند، می‌دویدند، در سر ضرب‌آهنگ‌ها می‌ایستادند، بر روی ریتم حرکت می‌کردند و از زبان بدن خود برای ایفای نقش‌های خود استفاده می‌کردند. در نتیجه کلاس نمایش خلاق، هوش موسیقایی و هوش حرکتی کودکان با انجام فعالیت‌ها توسط تسهیل‌گر بررسی شد.

از دیگر مواردی که در این کلاس به آن توجه شد، استفاده از عناصر طبیعی، در کلاس نمایش خلاق و مشارکت کودکان در این بخش بود. کودکان در بخش‌هایی از اجرای نمایش، برای نقش‌های خود با زبان اشاره صحبت و نقش جدید خود را تجسم می‌کردند. در تمام این موارد هوش

در نتیجه بهتر است، استعدادیابی کودکان را تنها در پروسه، بازی های نمادین و نمایش خلاق مورد بررسی قرار دهیم. (ج) در این میان، هدف ما تنها استفاده از نمایش خلاق به عنوان یکی از ابزارها و تنها برای ایجاد یک بستر امن تر برای کودکانی است که در حال حاضر به روش مستقیم استعدادیابی می شوند. آنچه این پژوهش را، از نگاه علمی، به صورت دقیق تر بررسی می کند، حضور افرادی «به عنوان تسهیل گر» است که خود، حداقل آگاهی را، در مورد هوش های چندگانه داشته باشند.

به عنوان مثال در برخی از هوش ها مثل هوش موسیقایی، تسهیل گری که خود از هوش موسیقایی پایینی برخوردار است، و نمی تواند، ریتم و ضرب را تشخیص دهد، نمی تواند هوش موسیقایی را در کودکان نیز تشخیص دهد. چون در درجه اول باید خود مسلط به ریتم و تشخیص ضرب ها و شنیدار قوی باشد.

در نهایت بهتر است، تسهیل گران در این دوره برای شناسایی هوش های گاردنر حداقل شناخت و آگاهی در مورد تمام هوش ها را داشته باشند و این هوش ها را در خود تقویت کرده باشند. همچنین می توان در این پژوهش، برای بررسی هوش های برتر کودکان، از تسهیل گران دیگر نیز کمک گرفته شود.

(د) شناسایی هوش های گاردنر از مهم ترین اتفاق هایی است که باید برای کودکان در نظر گرفته شود. اما این روند نباید موجب، ایجاد برجسب، برای کودکان شود. شناسایی هوش کودک باید در راستای علاقه کودکان، و در جریان زندگی کودک باشد.

الزام کودکان در قرارگیری ناآگاهانه در مسیر رشد و پرورش هوش برتر او ممکن است، گاهی موجب ایجاد الزام یا آسیب هایی به کودک شود. در انجام استعدادیابی توسط تسهیل گران، باید آگاهی رسانی به خانواده ها نیز اتفاق بیافتد. به طور مثال کودکی که در درس ریاضی نمره بسیار پایینی دارد و هیچ علاقه ای به آن درس ندارد نیاز نیست به اجبار با کلاس های خصوصی در این حوزه، قوی تر عمل کند. درواقع کودکان باید آزادی عمل داشته باشند. والدین می توانند با آگاهی از استعداد کودک خود، صرفاً آنها را در مسیر درست تری هدایت کنند که نتیجه آن تنها رضایت و خوشحالی کودکان باشد.

و بر اساس ریتم موسیقی در جنگل یا فضاها دیگر نمایشی قدم بزند یا شخصیت دیگری را دنبال کند. در پایان ده جلسه تمرین، در اثر تکرار و قرار گرفتن در فضایی موسیقایی و موزیکال کلاس نمایش خلاق، کودک نسبت به ابتدای دوره پیشرفتی خوب داشت و می توانست ریتم های ساده و فرکانس های مختلف را کمی بهتر از هم تشخیص دهد. در نتیجه هوش موسیقایی کودک نسبت به ابتدای دوره پرورش یافته بود.

نکته حائز اهمیت این که، می توان تمام هوش ها را به صورت مستقیم، به عنوان مثال با شرکت کردن در کلاس موسیقی، یا شرکت کردن در سایر کلاس ها، تقویت کرد. اما مسئله اصلی اجتناب کودک در انجام تمرین ها به شکل مستقیم است. کودکی که هوش موسیقایی بالایی ندارد یا علاقه ای نیز ندارد، تمرینات کلاس را انجام نخواهد داد. اما با توجه به ضرورت پرورش ابعاد مختلف هوش، نمایش خلاق روشی مناسب است که به توان با تکیه بر آن کودکان را در فضایی متفاوت تر و جذاب تر به انجام اتودها تشویق کرد.

پیشنهادهای

(الف) به گفته متخصصین دراماترپی، اگر نمایش خلاق را درمان، در نظر بگیریم، این فرایند نیازمند بررسی است. به عنوان مثال، اگر عارضه آبریزش بینی را در نظر بگیریم، می توانیم متوجه بیماری سرماخوردگی شویم. درواقع، به وسیله نشانه حاضر، تشخیص انجام می شود و پروتکل درمان شروع می شود. استعدادیابی نیز به یک پروتکل نیازمند است و در یک جلسه یا نهایت دو جلسه این پژوهش انجام نمی شود. ما برای تشخیص دقیق تر، در این پژوهش باید در فرایند تمرین های کلاس قرار بگیریم و کودکان باید حدود «حداقل» هشت الی ده جلسه مورد بررسی قرار بگیرند.

(ب) طبق مصاحبه های انجام شده با متخصصین روانشناسی، در حال حاضر استعدادیابی کودکان، در مراکز در حال انجام است و ثبت و تأیید شده است. از طرفی تأثیر نمایش خلاق در تریابی مشخص است. به گفته روان شناسان ما نمی توانیم با کودک خردسال به گونه ای رفتار کنیم که با افراد بزرگسال برخورد می کنیم. و درواقع تمام پروسه درمان، تشخیص، استعدادیابی ویژه کودکان تنها در توجه به بازی، نمایش و غیره قرار می گیرد. بنابراین، ما نمی توانیم به کودک خردسال بگوییم بنشیند و تست بدهد یا مسئله ای را برای او حل کنیم.

پی‌نوشت‌ها

1. John Dewey (1859-1952)

2. Karl Gross (1861-1946)

3. Buytendijk

فهرست منابع

- احمدی‌فر، شادی و دیگران (۱۴۰۰)، بررسی اثربخشی و ماندگاری نمایش خلاق بر سازگاری اجتماعی در نوجوانان تیزهوش پرخاشگر، نشریه روانشناسی اجتماعی، شماره ۶.
- استرن‌برگ، رابرت (۱۳۷۸)، توانایی‌های انسان، ترجمه نهال مشتاق بیدختی، فصل‌نامه تازه‌های علوم شناختی، شماره ۳.
- افلاطون (۱۳۷۹)، جمهور، ترجمه فواد روحانی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- امامی‌گواشین، عدرا (۱۳۹۵)، بررسی کارکردهای نمایشی و آموزشی عروسک‌های بازی بر کودکان بر اساس نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر، کارشناسی ارشد نمایش عروسکی، دانشگاه تهران.
- پاشا شریفی، حسن (۱۳۸۴)، مطالعه مقدماتی نظریه هوش چندگانه گاردنر، در زمینه موضوع‌های درسی و سازگاری دانش‌آموزان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۱، سال چهارم.
- پیازه، ژان و اینهلدر، باربل (۱۳۸۳)، روان‌شناسی کودک، ترجمه توفیق زینت، نشر نی.
- جلالی‌پور، بهرام و فیض‌الاسلام، فائزه (۱۳۹۷)، خلاقیت در هنر، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، چاپ اول.
- هاوارد گاردنر (۱۹۸۳)، چارچوب‌های ذهن، انتشارات چاپ یکم، چاپ اول.
- حسن‌نیا، میلاد و دیگران (۱۴۰۰)، نقش نمایش خلاق در تعلیم و تربیت با بهره‌مندی از آرای جان دیویی، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای نمایشی و موسیقی، دوره بیست‌وششم، شماره ۳.
- رحیمی، حمید و دیگران (۱۳۹۳)، تحلیل رابطه بین هوش‌های چندگانه با تفکر خلاق دانشجویان، گام‌های توسعه در آموزش پزشکی، دوره ۱۱، شماره ۳.
- رضائی، اکبر (۱۳۹۲)، ساختار عاملی و پایایی مقیاس‌های پرسش‌نامه هوش‌های چندگانه، مقاله علوم انسانی دانشگاه پیام نور، مجله تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۱۱، شماره ۱.
- رودکی، فاطمه (۱۳۹۶)، بررسی مبانی فلسفی نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر و دلالت‌های آن در پرورش تفکر خلاق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- سیاهکوهی‌نیا، فائزه؛ اخوان، حمیده (2015, 27 July) هوش‌های چندگانه گاردنر در کلاس درس، کنفرانس بین‌المللی استانبول - ترکیه، دانشگاه فرهنگیان هرمزگان.
- صبوری، خیرقدم (۱۳۹۴)، تأثیر نمایش خلاق بر رشد مهارت‌های حل مسئله در دختران پیش‌دبستان استان تهران، فصلنامه مطالعات پیش‌دبستان و دبستان، سال اول، شماره ۱.
- فرحزادی، نیکو (۱۳۹۷)، تأثیر روش نمایش خلاق بر کاهش اختلال‌های درون نمود کودکان پیش‌دبستانی، نشریه سلامت روان کودک، دوره ۵، شماره ۳.
- فروم، اریک (۱۳۷۷)، زبان از یاد رفته، ترجمه امانت ابراهیم، انتشارات فیروز، چاپ هفدهم.
- فلاح، افروز (۱۳۹۳)، باغ موسیقی کودک (با رویکرد خلاقیت)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، معماری منظر، دانشگاه تهران.
- مرزبان، پرویز (۱۳۶۵)، خلاصه تاریخ هنر، انتشارات علمی و فرهنگی کتیپ، چاپ بیست و یکم.

پیوست

مسابقه استعدادیابی

نمایشنامه اصلی (با هدف شناسایی هوش‌های مورد نظر گاردنر)

صحنه اول

دو درختچه، در دو طرف صحنه قرار دارند و زمین با خاک، سنگ و چمن مصنوعی پوشیده شده است. گلدان‌های بزرگ باغبانی، در وسط صحنه قرار گرفته‌اند و از دیوارپوش‌های گیاهی در فضا استفاده شده است. جوجه هم‌زمان با پخش صدای موسیقی در حال پریدن است و آزادانه می‌چرخد. هم‌زمان با قطع موسیقی جوجه با خستگی می‌افتد.

جوجه: والای، سرم گیج رفت. جنگل چرا می‌چرخه! این درختا چرا می‌چرخن! والای، یکی به دادم برسه. یکی کمک کنه پرام رو تگون بدم. (بال‌هایش را تکان می‌دهد)

گربه: (وارد صحنه می شود) غرغرو! چرا همه جا رو گذاشتی روی سرت؟ باز که داری سر و صدا می کنی!

گربه با جیک جیک کردن صدای جوجه را تقلید می کند و هم زمان، همراه با ریتم، بر روی موسیقی در حال پخش شروع به چرخیدن دور درخت می کند.

گربه: (زیر لب) شیطونه می گه به لقمه اش کنم. بلکه کمتر غر بزنه.

جوجه: (با فریاد) چی گفتی؟ گربه بدجنس؟ شنیدم داشتی یه چیزایی در مورد من می گفتی!

گربه: هاااان؟ (با تعجب) من؟ (باپوزخند و زیر لب) فکر می کنه خیلی زرنگه. (با صدای بلند) نه جوجه، می گم واسه چی داری دور خودت می چرخ می چرخ می زنی!

جوجه: از دست گربه بدجنسی مثل تو، تمرین می کردم که چطوری فرار کنم.

گربه: داری تمرین می کنی از دست من فرار کنی؟ حالا مگه من کاریت دارم؟

جوجه می پرد بالا. اول بال سمت راست و بعد بال سمت چپ اش را می چرخاند. کله اش را حرکت می دهد و هم زمان با صدای پخش موسیقی و با توجه به ریتم موسیقی شروع به حرکت کردن می کند. قدم به قدم، با ادا و اطوار، راه می رود و کم کم با توجه به ریتم موسیقی شروع به رقصیدن می کند.

جوجه: گربه من و ببین. فکرکردی می تونی من و دنبال کنی؟ یه لقمه کنی؟ یا با زبونت گولم بزنی؟

گربه: (خمیازه می کشد) من تو رو گول بزمن؟ برو حوصله ندارم.

جوجه: (می خندد) بیا دنبال من. ببین! نمی تونی من رو بگیری.

گربه سریع می پرد. با یک حرکت به سمت جوجه می رود و سریعاً او را می گیرد.

جوجه: (با جیغ و فریاد) تو چرا شوخی سرت نمیشه؟ من رو ول کن، زود باش ولم کن، گربه بدجنس!

موسیقی با صدای بلندی پخش می شود. هم زمان جوجه از دست گربه رها می شود و شروع به فرار کردن می کند. گربه و جوجه همراه با موسیقی شروع به دویدن در صحنه می کنند. با وارد شدن خروس به صحنه و قطع صدای موسیقی، هر دو خسته بر روی زمین می افتند.

خروس: گربه، تو باز افتادی دنبال این جوجه؟ نگفتم اذیت اش نکن؟

گربه: (با تعجب) کی؟ من؟ نه بابا (زیر لب) حالا باید به اینم توضیح بدم.

خروس: اینجا چه خبره؟

جوجه: خروس جان، خوب شد اومدی، گربه گذاشته بود دنبالم. می خواست یه لقمه ام کنه. دیر رسیده بودی الان استخوانم مونده بود!

گربه: عجب، من گذاشته بودم دنبالت؟

خروس: خب دیگه کافیه، بیایید یه خبر خوب آوردم براتون، می دونید جنگل بغل چه خبره؟

گربه: جوجه هاش خوشمزه ترن؟

جوجه: یه عالمه جوجه دیگه داره که با هم می رقصن؟

خروس: ای بابا... نه خیر، یه کم امون بدین. جنگل کناری یه مسابقه آواز گذاشته و هرکی برنده بشه (مکث می کند و چشم هایش از خوشحالی می درخشند) یه درخت به نام اش می کنن.

جوجه: واقعاً؟

گربه: (با بی حوصلگی) ای بابا فکرکردم، یه جوجه سرخ کرده می دن.

جوجه: من می خوام امتحان کنم (شروع به آواز خواندن می کند) من همونم که یه روز... می خواستم

گربه: واهههههه ای سرم.

جوجه: (در حالی که می رقصد) من همونم که یه روز می خواستم دریا بشم...

گربه: (با اخم) می شه تمومش کنی؟

جوجه: من هموووونم..

گربه: ای بابا، یکی به این بگه صداش خوب نیست. سرمون رفت.

خروس: اوه... فکر کنم باید خیلی بیشتر از اینا کار کنیم.

جوجه: خروس جان! (با لبخند) گربه بدجنس! بیایید باهم دیگه بخونیم.

خروس: آره گربه بیا بخونیم.
خروس، گربه و جوجه هر سه شروع به آواز خواندن می کنند.
جوجه: بچه ها، من یه فکری دارم. ما می تونیم همراه آواز برقصیم، این طوری می تونیم برنده بشیم.
گربه می خندد.
خروس: چه فکر خوبی. می تونیم گروهی آواز بخونیم، برقصیم. حتی برای خودمون یه فضای قشنگ درست کنیم. این طوری حتماً برنده مسابقه ما هستیم.
جوجه: پس زودتر شروع کنیم.
لاک پشت به آهستگی وارد صحنه می شود.
لاک پشت: سلام رفقا. این جا چه خبره؟ چقد شماها سرو صدا می کنید! جنگل رو گذاشتید رو سرتون. از صبح تو راهم تا بهتون برسیم ببینم اینجا چه خبره.
گربه: (با صدای بلند می خندد) ها ها... ها هاها
خروس: بیا لاک می جان بیا پیش ما. خوش اومدی.
گربه: (با صدای آرام، طوری که لاک می نشنود) ولش کن. برسه اینجا شب میشه.
جوجه: (به گربه چشم غره می رود) لاک می جان، می خوایم بریم مسابقه بدیم. جنگل بغلی مسابقه آوازخوانی گذاشته، تو هم می آیی؟
لاک می: چه خوب. ولی من باید برگردم پیش بچه هام. شب باید پیش شون باشم.
گربه: (قهقهه می زند) ها ها... ها هاها
خروس: ای بابا، گربه! تو هم فقط بلدی به این بیچاره بخندیا!
جوجه: بیایید تا دیر نشده مسیر جنگل بغل رو پیدا کنیم.
لاک می: من مسیر رو بلدم. پنج قدم میرید سمت راست، سه قدم می رید جلو، پنج تا قدم می رید چپ، چهار قدم می ایید به سمت بالای کوه بعدش مستقیم می رید و تا ۴۰ می شمارید. بهتره اول یه کاغذ بیارید و نقشه رو بکشید.
گربه، خروس و جوجه (هرسه با هم) شروع به کشیدن نقشه می کنند. سپس نقشه ها را به یکدیگر نشان می دهند. نمایش در این بخش، با کمی بداهه پردازی توسط کودکان پیش می رود.
لاک می: این چه نقشه هاییه که کشیدید، بیایید خودم نقشه جنگل بغل رو بهتون می دم. من دارمش.
جوجه: ای بابا، این همه نقشه کشیدم! چرا زودتر نگفتی نقشه ها رو داری.
گربه: (با صدای آرام طوری که لاک می نشنود) من گفتم از اول از این خوشم نمیاد.
خروس: گربه نگفتم مهریون باش.
لاک می: دوستان به هر حال حواسم نبود. من دیگه باید برم خدانه گهدارتون. شما هم زودتر راه بیفتید که برسید.

صحنه دوم

جوجه، لاک می و خروس هر سه، هم زمان با صدای پخش موسیقی ریتمیک، به صورت هماهنگ و طبق نقشه شروع به حرکت کردن و رفتن به سمت جنگل کناری می کنند. در این میان صحنه عوض می شود. هر سه در صحنه جدید شروع به ساخت یک فضای دیگر برای مسابقه می کنند. (در تمرینات نمایشی، پشت صحنه توسط کودکان، طراحی و ساخته می شود)
خروس: بچه ها به نظرتون صحنه خوب شد؟
گربه: (با بی حوصلگی) اصلاً خوب نشده.
جوجه: حالا مسابقه همین جاست؟
گربه: (خمیازه می کشد) آگه جای دیگه باشه من نمیام. خسته شدم انقدر کار کردم.
خروس: حتماً همین جاست، صبح مسابقه شروع می شه.
گربه: حالا تا صبح چی کار کنیم؟
جوجه: بازی می کنیم.
خروس: الان که وقت بازی نیست باید تمرین کنیم.

گرچه: ولی به نظرم بهتره بخوابیم.
خروس: ای بابا، بهتره بشنیم تا صبح بشه، الان بقیه حیوونا هم خوابن.
گرچه: چه بهتر، پس می خوابیم.
خروس: بخوابیم یعنی؟
جوجه: هووووم.. صبح بیدار میشیم.

صبحہ سوم

تمام چراغ‌ها خاموش و همه جا تاریک است. نور بسیار کمی در دو طرف صحنه وجود دارد. سایه‌های جوجه، خروس و گریه روی دیوار دیده می‌شود.

گربه: جوجه بین چه شکلی شدی.
جوجه: خروس جان من می ترسم!
خروس: ترس نداره که. فقط سایه هامونه. صبح بشه دیگه سایه نیست.
گربه: (با بدجنسی) واسه خودش داره میگه. سایه ها می مونن.
خروس: به فردا فکر کنید. ما برنده میشیم.
گربه: فردا یه خونه جنگلی قشنگ داریم.
جوجه: توش کلی بازی می کنیم.

جوجه، خروس و گربه هر سه به آهستگی روی زمین می خوابند. صحبت های خروس، جوجه و گربه به صورت بداهه ادامه پیدا می کند. کم کم صدای آنها کم می شود تا به خواب می روند.

گرچه: میوووو..... خررررپف.
صحنه روشن و لاکِی وارد صحنه می‌شود.

سلام رفقا ظهر تون بخیر، بیدار شدید که خواب موندید. به به؛ ببینید اینجا رو چه قشنگ کردن. (با خنده) حالا چرا اینجا رو قشنگ کردید؟ مسابقه که یه کم جلوتر بود.

ای وای، ای وای، چپی شده؟
خروس:

وای مسابقه. بدو بدو بیدار شوید.
جوجه:

بذار یہ کم دیگہ بخوابم۔
لاکی: خواب موندید دوستان، نقشہ رو ہم اشتباه اومدید۔ راستش من رفتم و تو مسابقہ آواز برنده شدم۔

خروس: هالان؟
 جوجه: تو کی رفتی؟

گره: (با تمسخر) حتماً شب راه افتاده، صبح رسیده!

لاک: (باخنده) دوستان دارم می‌رم توخونه خنگلیم، خدانگهدارتون. به امید دی

گرچه، خروس و جوجه: هاهاهان!!!